



جلسه: ۴۶  
تاریخ: ۱۴۰۳/۰۲/۲۶

درس: نظام اقتصادی اسلام  
موضوع: بررسی وجود سیاست جزائی در نظام اقتصادی اسلامی  
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

بسم الله الرحمن الرحيم

## اشاره به برخی از گناهان کبیره در حوزه اقتصاد

در مباحث پیشین اثبات شد که در شریعت اسلام سیاست جزائی کلی در تمام بایدها و نبایدها و از جمله مباحث اقتصادی وجود دارد و لذا نسبت به همه بایدها و نبایدهای اقتصادی جرم انگاری صورت گرفته و طبق قاعده «التعزیر لکل معصیه» برای همه متخلفین، مجازات تعیین شده است.

در جلسه پیشین نیز به عنوان متمیم بحث به بخشی از معاصی کبیره و مواردی که در آنها بالخصوص تصریح به وجود تعزیر و تأدیب شده، اشاره گردید. ادامه این موارد در این جلسه مورد اشاره قرار می گیرد.

### خوردن خون، گوشت خوک و میته

یکی دیگر از مواردی که در آنها بالخصوص جرم انگاری شده و مربوط به حوزه مصرف است، خوردن خون، گوشت خوک و میته است. در این زمینه، در روایت اسحاق بن عمار آمده است:

و بِهِذَا الْإِسْنَادِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ قَالَ: أَكَلُ الْمَيْتَةِ وَ الدَّمِ وَ لَحْمِ الْخِنْزِيرِ عَلَيْهِمْ أَدَبٌ فَإِنْ عَادَ أَدَبٌ قُلْتُ فَإِنْ عَادَ يُؤَدَّبُ قَالَ يُؤَدَّبُ وَ لَيْسَ عَلَيْهِمْ حَدٌّ.<sup>۲</sup>

این روایت توسط محمدون ثلاث نقل شده است.

در این روایت به حدّ معین و مشخص نسبت به خوردن خون، میته و گوشت خوک اشاره نشده است بلکه صرفاً تأدیب را لازم دانسته است که همان تعزیر است. بنابراین این موارد علاوه بر اینکه ممنوع و حرام هستند، نسبت به مرتکبین آنها جرم انگاری نیز صورت گرفته و مجازات تعیین شده است.

### خوردن مال یتیم

مورد دیگر از معاصی کبیره که بالخصوص برای آن مجازات تعیین شده، خوردن مال یتیم است. در روایت عبدالرحمن بن حجاج آمده است:

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ رَفَعَهُ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع كَانَ لَا يَرَى الْحَبْسَ إِلَّا فِي ثَلَاثٍ رَجُلٍ أَكَلَ مَالَ الْيَتِيمِ أَوْ غَضَبَهُ أَوْ رَجُلٍ أَوْثَمَنَ أَمَانَةً فَذَهَبَ بِهَا.<sup>۳</sup>

بر اساس این روایت، امیرالمؤمنین علیه السلام سه گروه را زندانی می کرده اند:

الف: کسی که مال یتیم را بخورد.

ب: کسی که مال یتیم را غضب کند.

ج: کسی که امانتی نزد او گذاشته شود و او خیانت در امانت کند.

این موارد از امور مربوط به مسائل اقتصادی است که شارع برای آنها تعیین مجازات کرده است.

۱. یعنی باسناد شیخ طوسی از محمد بن احمد بن یحیی، از یزید بن یعقوب از یحیی بن مبارک از عبدالله بن جبلة از ابی جمیلة از اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام

۲. وسائل الشیعة ۲۸: ۳۷۱.

۳. وسائل الشیعة ۲۸: ۳۶۸.



لازم به ذکر است نسبت به تعیین مجازات در موارد سه گانه، شبهه ای وجود دارد که ممکن است این جرم انگاری از طرف ولیّ امر مسلمین بوده است و خدای متعال این مجازات را تعیین نکرده است. البته تعیین مجازات از سوی خدای متعال صورت گرفته باشد و یا اینکه امیرالمؤمنین علیه السلام از باب ولیّ امر مسلمین این مجازات را تعیین کرده باشند، تأثیری در اصل مطلب ندارد و با این روایت اثبات می شود که در این موارد مجازات تعیین شده است.

البته روایت ذکر شده به لحاظ سندی مرفوعه بوده و دچار اشکال است الا اینکه ادعا شود که روایت در کتاب کافی نقل شده و همه روایات کافی صحیح هستند یا اینکه گفته شود که با توجه به تعبیر «لایروون و لایرسلون الا عمّن یوثق بهم» که توسط شیخ طوسی در کتاب عدّه به کار برده شده است، روایات ابن ابی عمیر ولو اینکه با واسطه مرسل یا مرفوعه باشند، حجت هستند. اما به نظر ما ثابت نیست که کلام شیخ طوسی در عدّه شامل مشایخ با واسطه ابن ابی عمیر نیز گردد. بنابراین سند روایت مشکل دارد.

### سرق

موارد متعددی از روایات وجود دارد که در مورد سرقت حد تعیین کرده است ولی در مواردی که سرقت به صورت علنی صورت گرفته باشد که در اصطلاح روایی از آن با عنوان «اختلاس» یاد می شود، دارای مجازات دیگری است. در این زمینه می توان به روایاتی اشاره کرد:

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَحَدِهِمَا ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع لَا أَقْطَعُ فِي الدَّغَارَةِ الْمُعْلَنَةِ وَهِيَ الْخُلْسَةُ وَ لَكِنْ أُعَزَّرُهُ.<sup>۱</sup>

در این روایت بیان شده است که سرقتی که به صورت علنی انجام شده باشد، مجازات آن قطع دست نیست، بلکه تعزیر خواهد شد. روایت به لحاظ سندی به جهت اشتغال بر اسحاق بن عمار، موثقه یا صحیحه است.

۲- وَ [محمد بن یعقوب] عَنْ عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: قَضَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع فِي رَجُلٍ اخْتَلَسَ ثَوْباً مِنَ السُّوقِ فَقَالُوا قَدْ سَرَقَ هَذَا الرَّجُلُ فَقَالَ إِنِّي لَا أَقْطَعُ فِي الدَّغَارَةِ الْمُعْلَنَةِ وَ لَكِنْ أَقْطَعُ مَنْ يَأْخُذُ ثُمَّ يُخْفِي.<sup>۲</sup>

۳- وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ [علي بن ابراهیم] عَنْ أَبِيهِ عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ [آن امیر المؤمنین] ع أَنَّهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع أُتِيَ بِرَجُلٍ اخْتَلَسَ دُرَّةً مِنْ أُذُنِ جَارِيَةٍ فَقَالَ هَذِهِ الدَّغَارَةُ الْمُعْلَنَةُ فَضْرَبَهُ وَ حَبَسَهُ.<sup>۳</sup>

در این روایت نقل شده است که شخصی که دزدی را از گوش یک جاریه به صورت علنی سرقت کرده بود، به محضر امیرالمؤمنین علیه السلام آورده می شود و امیرالمؤمنین علیه السلام او را شلاق زده و زندانی می کنند.

۴- وَ [محمد بن یعقوب] عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: قَالَ: مَنْ سَرَقَ خُلْسَةً خَلَسَهَا لَمْ يُقْطَعْ وَ لَكِنْ يُضْرَبُ ضَرْباً شَدِيداً.<sup>۴</sup>

بر اساس این روایت نیز سرقت علنی دارای مجازات قطع دست نیست، اما جرم انگاری شده است و باید مجازات شود.

۱. وسائل الشیعة ۲۸: ۲۶۸.

۲. وسائل الشیعة ۲۸: ۲۶۸.

۳. وسائل الشیعة ۲۸: ۲۶۹.

۴. وسائل الشیعة ۲۸: ۲۶۹.



## راهزنی

راهزنی نیز از گناهان کبیره است که برای آن مجازات تعیین شده است. در این زمینه در آیه ۳۴ سوره مائده آمده است: «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ».

در روایات متعددی ذکر شده است که اگر محاربین، اموالی از مردم را برداشته باشند، مجازات آنها قطع دست و پا، تبعید یا اعدام خواهد بود. در روایت محمد بن مسلم آمده است:

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: مَنْ شَهَرَ السَّلَاحَ فِي مِصْرٍ مِنَ الْأَمْصَارِ فَعَقَرَ أَقْصَصَ مِنْهُ وَ نَفَى مِنْ تِلْكَ الْبَلَدِ وَ مَنْ شَهَرَ السَّلَاحَ (فِي مِصْرٍ مِنْ) الْأَمْصَارِ وَ ضَرَبَ وَ عَقَرَ وَ أَخَذَ الْمَالَ وَ لَمْ يَقْتُلْ فَهُوَ مُحَارِبٌ فَجَزَاؤُهُ جَزَاءُ الْمُحَارِبِ وَ أَمْرُهُ إِلَى الْإِمَامِ إِنْ شَاءَ قَتَلَهُ وَ صَلَبَهُ وَ إِنْ شَاءَ قَطَعَ يَدَهُ وَ رَجَلَهُ قَالَ وَ إِنْ ضَرَبَ وَ قَتَلَ وَ أَخَذَ الْمَالَ فَعَلَى الْإِمَامِ أَنْ يَقْطَعَ يَدَهُ الْيُمْنَى بِالسَّرِقَةِ ثُمَّ يَدْفَعَهُ إِلَى أَوْلِيَاءِ الْمَقْتُولِ فَيَتَّبِعُونَهُ بِالْمَالِ ثُمَّ يَقْتُلُونَهُ قَالَ فَقَالَ لَهُ أَبُو عُبَيْدَةَ أَرَأَيْتَ إِنْ عَفَا عَنْهُ أَوْلِيَاءُ الْمَقْتُولِ قَالَ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع إِنْ عَفَا عَنْهُ كَانَ عَلَى الْإِمَامِ أَنْ يَقْتُلَهُ لِأَنَّهُ قَدْ حَارَبَ وَ قَتَلَ وَ سَرَقَ قَالَ فَقَالَ أَبُو عُبَيْدَةَ أَرَأَيْتَ إِنْ أَرَادَ أَوْلِيَاءُ الْمَقْتُولِ أَنْ يَأْخُذُوا مِنْهُ الدِّيَةَ وَ يَدْعُونَهُ لَهُمْ ذَلِكَ قَالَ لَا عَلَيْهِ الْقَتْلُ<sup>۱</sup>.

روایات متعددی با همین مضمون وجود دارد.

این روایت راهزنان را محارب معرفی کرده و برای حالت های مختلف راهزنی مجازات مخصوصی تعیین کرده است.

## ارث

مورد دیگر از گناهان کبیره که جرم انگاری شده، عدم رعایت ضوابط ارث است.

در این زمینه می توان به دو روایت اشاره کرد:

۱- وَ عَنْهُ [محمد بن یعقوب عن علی بن ابراهیم] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يَحْيَى الْحَلْبِيِّ عَنْ شُعَيْبٍ عَنْ زَيْدِ الصَّائِغِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ النِّسَاءِ هَلْ يَرِثُنَّ مِنَ الْأَرْضِ فَقَالَ لَا وَ لَكِنْ يَرِثُنَّ قِيَمَةَ الْبِنَاءِ قَالَ قُلْتُ: إِنَّ النَّاسَ لَا يَرْضَوْنَ بَدَأَ قَالَ إِذَا وُلِينَا فَلَمْ يَرْضُوا ضَرَبْنَاهُمْ بِالسُّوْطِ فَإِنْ لَمْ يَسْتَقِيمُوا ضَرَبْنَاَهُمْ بِالسَّيْفِ<sup>۲</sup>.

در این روایت از ارث بردن زنان از زمین سؤال می شود و امام صادق علیه السلام پاسخ می دهند که زنان از زمین ارث نمی برند و صرفاً از قیمت ساختمان ارث خواهند برد. راوی به امام علیه السلام عرض می کند که مردم این مطلب را نمی پذیرند. امام صادق علیه السلام در پاسخ می فرماید: اگر حکومت داشته باشیم، کسی که این مطلب را نپذیرفته و عمل نکند، با شلاق آنها را می زنیم و اگر شلاق هم فایده نداشته باشد، آنها را با شمشیر اعدام خواهیم کرد.

۱. وسائل الشیعة ۲۸: ۳۰۷

۲. وسائل الشیعة ۲۶: ۲۰۹.



۲- [و[محمد بن یعقوب] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ حُكَيْمٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ رِبَاطٍ عَنْ مُثَنَّى عَنْ يَزِيدَ الصَّانِعِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ يَقُولُ إِنَّ النَّسَاءَ لَا يَرْتَنُّ مِنْ رِبَاعِ الْأَرْضِ شَيْئاً وَ لَكِنَّ لَهُنَّ قِيَمَةَ الطُّوبِ وَ الْحَشْبِ قَالَ فَقُلْتُ لَهُ إِنَّ النَّاسَ لَا يَأْخُذُونَ بِهَذَا فَقَالَ إِذَا وُلِّيْنَاَهُمْ ضَرْبُهَاَهُمْ بِالسُّوْطِ فَإِنَّهُمْ يَنْتَهَوْنَ وَ إِلَّا ضَرْبُهَاَهُمْ بِالسِّنْفِ عَلَيْهِ<sup>۱</sup>.

روایت اول از امام صادق علیه السلام و روایت دوم از امام باقر علیه السلام است. هر دو روایت نیز توسط یزید صانع نقل شده است. اما در هر دو روایت به مجازات شلاق و شمشیر برای عدم پذیرش حکم ارث و تخلف از آن اشاره شده است. علاوه بر شیخ کلینی، شیخ طوسی نیز این روایت را از ابن فضال نقل کرده است. عدم رعایت ضوابط ارث نیز از مواردی است که جرم انگاری شده و دارای سیاست جزائی است.

## احتکار

یکی دیگر از مواردی در مورد آن جرم انگاری صورت گرفته، احتکار است.

البته نسبت به حرمت یا کراهت احتکار در بین فقها اختلاف وجود دارد. اما در عهدنامه مالک اشتر، امیرالمؤمنین علیه السلام به مالک اشتر فرموده اند: «فَأَمْنَعُ مِنَ الْإِحْتِكَارِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَمَّعَ مِنْهُ وَ لَيْكُنِ الْبَيْعُ بَيْعاً سَمِحاً بِمَوَازِينِ عَدْلِ وَ أَسْعَارٍ لَا تُجْحِفُ بِالْفَرِيقَيْنِ مِنَ الْبَائِعِ وَ الْمُبْتَاعِ فَمَنْ قَارَفَ حُكْرَةً بَعْدَ نَهْيِكَ إِيَّاهُ فَتَنَكَّلْ بِهِ وَ عَاقِبَهُ [مِنْ] فِي غَيْرِ إِسْرَافٍ»<sup>۲</sup>

در این عبارت امیرالمؤمنین علیه السلام در ابتدا به مالک اشتر امر به منع از احتکار می کنند و در ادامه، برای متخلفین مجازات در نظر گرفته اند. البته در مورد این مجازات دو احتمال وجود دارد:

۱- احتکار به جهت منع پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حرام بوده و تخلف از آن موجب استحقاق مجازات بوده است.

با توجه به این احتمال ثابت می شود که احتکار از نظر شارع حرام بوده است و امیرالمؤمنین علیه السلام نیز به عنوان مبلغ احکام الهی بیان کرده اند.

۲- احتکار حرام نبوده است، اما پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان والی و حاکم منع کرده اند و امیرالمؤمنین علیه السلام نیز مالک اشتر را امر کرده اند تا از احتکار منع کنند. در نتیجه بعد از الزامی که حاکم انجام می دهد، مجازات تعیین شده است. بنابراین در شریعت اسلامی سیاست جزائی وجود نداشته است و توسط حاکم و والی صورت گرفته است.

شمره این دو وجه در جواز اعمال محدودیت و تعیین مجازات توسط سایر حکام روشن می شود؛ چون اگر مجازات تعیین شده همانند سرقت و سایر موارد، از شریعت اسلام باشد، برای همه حکام ثابت نمی شود که بتوانند جرم انگاری کنند، اما در صورتی که امیرالمؤمنین علیه السلام و مالک اشتر بما اینکه والی و حاکم هستند، این اقدام را انجام داده باشند، ممکن است با توجه به ادله ولایت فقیه، برای سایر حکام نیز این مطلب قابل اثبات باشد.

اما به هر حال اجمال مطلب این است که احتکار جرم انگاری شده است. اما بحث سندی عهدنامه مالک اشتر دچار اشکال است که در مباحث پیشین به این بحث پرداخته شد.

۱. وسائل الشیعة ۲۶: ۲۱۰.

۲. نهج البلاغة (للصّبحي صالح) ۴۳۸.



## بررسی جواز تعیین مجازات توسط معصومین علیهم السلام و سایر حاکم اسلامی

تاکنون نتیجه مباحث پیشین این چنین است که دین اسلام در حوزه های مختلف، از جمله حوزه اقتصاد، نسبت به برخی اقدامات، جرم انگاری کرده و دارای سیاست جزائی است؛ لذا اگر ممنوعیت و محدودیت های شرعی در حوزه اقتصاد مورد عمل واقع نشود، متخلف مجازات خواهد شد.

یکی دیگر از مباحث نیازمند بحث و بررسی این است که آیا علاوه بر شارع، برای دیگران نیز امکان جرم انگاری وجود دارد؟ یعنی آیا جایز است که حاکم اسلامی، ابتداء ممنوعیت و محدودیت ایجاد کند و در مرحله بعد، جرم انگاری کرده و برای متخلفین، مجازات تعیین کند؟ امکان ایجاد ممنوعیت و محدودیت توسط حاکم اسلامی در مباحث پیشین مورد بررسی قرار گرفت و لذا مجدداً مورد بررسی قرار نمی گیرد. اما بحث از جواز جرم انگاری توسط حاکم اسلامی باید در دو بخش مورد بررسی قرار گیرد:

الف: جواز تعیین مجازات و اعمال سیاست جزائی توسط حاکم معصوم علیه السلام

ب: جواز تعیین مجازات و اعمال سیاست جزائی توسط سایر حکام اسلامی

### تعیین مجازات توسط حاکم معصوم علیه السلام

جواز جرم انگاری توسط حاکم اصلی حکومت اسلامی که همان معصومین علیهم السلام هستند، باید در دو فرض مورد بررسی قرار گیرد:

الف: تفویض امر دین به آنها

ب: انتخاب آنها به عنوان حاکم

### بررسی جواز تعیین مجازات توسط حاکم معصوم علیه السلام از باب تفویض امر دین به آنها

تفویض امر دین به انمه علیهم السلام به این معنا است که احکامی که آنها تعیین می کنند، در واقع حکم شرعی می شود. به عنوان مثال وقتی خداوند متعال خصوص شرب خمر را حرام کرده باشد و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مطلق مسکر را حرام کند، حرمت شرب مطلق مسکر حکم شرعی خواهد شد. طبق این فرض قطعاً جرم انگاری جایز است؛ چون تعیین حکم به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تفویض شده است و همان طور که در شرب مسکر، حرمت توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تعیین شده است، در مجازات نیز برای او ممکن است که مجازات تعیین کند؛ چون تعیین مجازات نیز امر دین محسوب می شود. این مطلب به لحاظ کبروی روشن و مسلم است، اما اینکه نسبت به واجبات و

۱. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ لِبَعْضِ أَصْحَابِ قَيْسِ الْمَاصِرِ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَدَبَ نَبِيَّهُ فَأَحْسَنَ أَدَبَهُ فَلَمَّا أَكْمَلَ لَهُ الْأَدَبَ قَالَ - إِنَّكَ لَعَلَى خَلْقٍ عَظِيمٍ ثُمَّ فَوَّضَ إِلَيْهِ أَمْرَ الدِّينِ وَ الْأُمَّةِ لِيَسُوْسَ عِبَادَةَ فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ - مَا آتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص كَانَ مُسَدِّدًا مُؤَفِّقًا مُؤَيِّدًا بَرُوحَ الْقُدْسِ لَا يَزِلُّ وَ لَا يُحْطِئُ فِي شَيْءٍ مِمَّا يَسُوْسُ بِهِ الْخَلْقَ فَتَأَدَّبَ بِأَدَابِ اللَّهِ ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَرَضَ الصَّلَاةَ رَكْعَتَيْنِ رَكْعَتَيْنِ عَشْرَ رَكَعَاتٍ فَأَصَافَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِلَى الرَّكْعَتَيْنِ رَكْعَتَيْنِ وَ إِلَى الْمَغْرِبِ رَكْعَةً فَصَارَتْ عِدْلِيلَ الْفَرِيضَةِ - لَا يَجُوزُ تَرْكُهَا إِلَّا فِي سَفَرٍ وَ أَقْرَدَ الرَّكْعَةَ فِي الْمَغْرِبِ فَتَرَكَهَا قَائِمَةً فِي السَّفَرِ وَ الْحَضَرِ فَأَجَازَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ ذَلِكَ كُلَّهُ فَصَارَتْ الْفَرِيضَةُ سَبْعَ عَشْرَةَ رَكْعَةً ثُمَّ سَنَّ رَسُولُ اللَّهِ ص النَّوَافِلَ أَرْبَعًا وَ ثَلَاثِينَ رَكْعَةً مِثْلِي الْفَرِيضَةِ فَأَجَازَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ ذَلِكَ وَ الْفَرِيضَةُ وَ النَّافِلَةُ إِحْدَى وَ خَمْسُونَ رَكْعَةً مِنْهَا رَكْعَتَانِ بَعْدَ الْعَتَمَةِ جَالِسًا تُعَدُّ بَرَكْعَةً مَكَانَ الْوَتْرِ وَ فَرَضَ اللَّهُ فِي السَّنَةِ صَوْمَ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ سَنَّ رَسُولُ اللَّهِ ص صَوْمَ شَعْبَانَ وَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي كُلِّ شَهْرٍ مِثْلِي الْفَرِيضَةِ فَأَجَازَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ ذَلِكَ وَ حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْخَمْرَ بِعَيْنِهَا وَ حَرَّمَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْمُسْكِرَ مِنْ كُلِّ شَرَابٍ فَأَجَازَ اللَّهُ لَهُ ذَلِكَ كُلَّهُ وَ عَافَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَشْيَاءَ وَ كَرِهَهَا وَ لَمْ يَنْهَ عَنْهَا نَهْيَ حَرَامٍ إِنَّمَا نَهَى عَنْهَا نَهْيَ إِعَافَةٍ وَ كَرَاهَةٍ ثُمَّ رَخَّصَ فِيهَا - فَصَارَ الْأَخْذُ بِرُخْصِهِ «۱» وَاجِبًا عَلَى الْعِبَادِ كَرُحُوبٍ مَا يَأْخُذُونَ بِنَهْيِهِ وَ عَزَائِمِهِ وَ لَمْ يُرْخَّصْ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ ص فِيمَا نَهَاهُمْ عَنْهُ نَهْيَ حَرَامٍ وَ لَا فِيمَا أَمَرَ بِهِ أَمْرٌ فَرَضَ لِأَرْمٍ فَكَثِيرُ الْمُسْكِرِ مِنَ الْأَشْرَبَةِ نَهَاهُمْ عَنْهُ نَهْيَ حَرَامٍ لَمْ يُرْخَّصْ فِيهِ لِأَخْذٍ وَ لَمْ يُرْخَّصْ رَسُولُ اللَّهِ ص لِأَخْذِ تَقْصِيرِ الرَّكْعَتَيْنِ اللَّتَيْنِ صَمَّهُمَا إِلَى مَا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بَلْ أَلْزَمَهُمْ ذَلِكَ الْإِزْمًا وَاجِبًا لَمْ يُرْخَّصْ لِأَخْذٍ فِي شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ إِلَّا لِلْمَسَافِرِ وَ لَيْسَ لِأَخْذٍ أَنْ يُرْخَّصَ شَيْئًا مَا لَمْ يُرْخَّصْ رَسُولُ اللَّهِ ص فَوَاقِفَ أَمْرٍ رَسُولُ اللَّهِ ص مِنْهُ نَهْيَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ نَهْيِهِ نَهْيَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ وَجَبَ عَلَى الْعِبَادِ التَّسْلِيمُ لَهُ كَالْتَّسْلِيمِ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى. الكافي (ط - الإسلامية) ۱: ۲۶۶.



جلسه: ۴۶  
تاریخ: ۱۴۰۳/۰۲/۲۶

درس: نظام اقتصادی اسلام  
موضوع: بررسی وجود سیاست جزائی در نظام اقتصادی اسلامی  
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

محرماتی که توسط خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ثابت شده است، جرم انگاری نیز صورت گرفته باشد، دلیل وجود ندارد و این مطلب اثبات شده نیست؛ لذا این گونه نیست که اگر کسی شرب مسکر کرده باشد، مجازات شود؛ چون دلیلی وجود ندارد که به صورت قاعده کلی دلالت کند که نسبت به همه‌ی محرمات و واجباتی که توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ثابت شده است، مجازات تعیین شده است. بنابراین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله صلاحیت و اختیار تعیین مجازات دارد و این تعیین مجازات اختصاص به احکام تشریح شده توسط خود ایشان ندارد بلکه برای احکام الهی نیز می‌تواند مجازات تعیین کند. اما مشکل در اعمال این صلاحیت در مقام عمل است و وقتی اعمال مجازات ثابت نشده باشد، مشکل ایجاد می‌شود.

ممکن است در اینجا گفته شود که قاعده «التعزیر لکل معصیه» همان طور که شامل همه معاصی اعم از صغیره و کبیره می‌شود، از طرف دیگر شامل همه بایدها و نبایدها اعم از اینکه مشرّع آن خداوند متعال یا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باشد، می‌شود. در نتیجه اثبات می‌شود که در شریعت اسلام، تخلف از هر حکم الزامی مجازات خواهد داشت.

پاسخ این است که دلیل قاعده «التعزیر لکل معصیه»، روایاتی است که در آن تعبیر «إِنَّ اللَّهَ قَدْ جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ حَدًّا وَ جَعَلَ لِمَنْ تَعَدَّى ذَلِكَ الْحَدَّ حَدًّا» به کار رفته و جعل حد را به خدای متعال نسبت داده است و در ادامه با اسم اشاره «ذَلِكَ»، به همان حدود تعیین شده توسط خدای متعال اشاره شده و مجازات تعیین شده است؛ لذا این روایات شامل مواردی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نهی کرده باشد، نمی‌شود و مجازات صرفاً بر مجعول‌هایی الهی ثابت می‌شود.

ممکن است ادعا شود که طبق روایات مطرح شده، باید جعل حدود توسط خدای متعال صورت گرفته باشد، اما جعل حد توسط خدای متعال به دو صورت است:

الف: بدون واسطه

ب: با واسطه

توضیح مطلب این است که بایدها و نبایدهای شریعت اسلام، همگی جزو حدود الهی هستند که تعدی از آنها موجب ثبوت مجازات است. برخی از این محدودیت‌ها توسط خود خدای متعال و بدون واسطه تعیین شده است، اما برخی دیگر مستقیم توسط خدای متعال جعل نشده است بلکه اولیای او تعیین کرده‌اند و با واسطه به خدای متعال نیز نسبت داده می‌شود.

پاسخ این است که در موارد جعل با واسطه، دو حالت وجود دارد:

الف: بعد از جعل مجازات توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، خدای متعال مجازات تعیین شده را امضا می‌کند.

در این صورت مجدداً جعل الهی می‌شود و همان حکم را خواهد داشت.

ب: به صورت کلی تعیین مجازات به خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله واگذار شده و شارع مقدس حتی امضا هم نمی‌کند؛ چون شریعت اسلامی مرکب از دو بخش است که بخشی از آن اوامر الهی و بخش دیگر اوامر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. در این بخش از شریعت اسلامی که در آن تفویض رخ داده است، اگرچه خدای متعال رضایت دارد، اما رضایت او با جعل متفاوت است؛ چون اختیار آن را به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله واگذار کرده است. اگر این معنا باشد، تعبیر «إِنَّ اللَّهَ قَدْ جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ حَدًّا» شامل نمی‌شود. در نتیجه اگر دلیل خاصی در مورد شرب هر مسکر وجود نداشته باشد، نسبت به آنها مجازات ثابت نمی‌شود؛ به خلاف اینکه شرب خمر صورت گیرد؛ چون خدای متعال خمر را حرام کرده است. اما فحاح و نیبذ توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حرام شده است الا اینکه ادعا شود که تفویض الهی همانند تفویض در بین انسان‌ها نیست که امور کاملاً واگذار گردد بلکه تفویض الهی به همان معنای امضائی بودن است که در این صورت، بعد از امر یا نهی کردن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، خداوند متعال نیز امر و نهی خواهد داشت و در نتیجه تعدی از حدود الهی صادق شده و مجازات بر این تعدی ثابت می‌شود.



فرضاً تعبیر «إِنَّ اللَّهَ قَدْ جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ حَدًّا وَجَعَلَ لِمَنْ تَعَدَّى ذَلِكَ الْحَدَّ حَدًّا» شامل نشود، راه حل دیگر برای ثبوت مجازات نسبت به تعدی از اوامر و نواهی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این است که روایت «أَصْحَابُ الْكِبَائِرِ كُلُّهَا إِذَا أُقِيمَ عَلَيْهِمُ الْحَدُّ مَرَّتَيْنِ قُتِلُوا فِي الثَّلَاثَةِ» شامل می شود؛ چون در این روایت اقامه حد، به کبائر تعیین شده توسط خدای متعال اختصاص داده نشده است و شامل همه معاصی کبیره می گردد. البته استدلال به این روایت نیز منوط به این است که دلالت این روایت بر وجود حد بر همه کبائر مورد پذیرش قرار گیرد و از طرف دیگر معصیت کبیره ای که توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تعیین شده، وجود داشته باشد.

### بررسی جواز تعیین مجازات توسط حاکم معصوم علیه السلام از باب حاکم بودن آنها

در مورد تعیین مجازات برای تخلف از بایدها و نبایدهای اسلامی توسط حاکم بالا صالّه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام هستند، اگر اثبات شود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یا ائمه علیهم السلام به عنوان حاکم اسلامی تعیین مجازات کرده باشند، از این طریق اثبات می شود که صلاحیت تعیین مجازات را داشته اند؛ چون آنها معصوم هستند و هیچ عمل غیر شرعی انجام نمی دهند. اما اگر دلیل بر تعیین مجازات از طرف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام وجود نداشته باشد، صرف حاکم بودن آنها دلیل بر جواز تعیین مجازات نمی شود؛ چون طبق روایات خداوند متعال نسبت به همه اشیاء تعیین حدود کرده و مجازات آنها را نیز مشخص کرده است.

در اینجا ممکن است گفته شود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام همانند سایر حکام هستند و لذا همان طور که از نظر عقلانی، سایر حکام حق مجازات برای تخلف از بایدها و نبایدها را دارند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام نیز چنین حقی خواهند داشت؛ چون همان حکومتی که برای پادشاهان بوده است، در زمان معصومین علیهم السلام توسط شارع به آنها واگذار شده و با همان اختیارات، حاکم قرار داده شده اند. بنابراین همان طور که حکام دیگر، قانون تعیین کرده و برای متخلفین مجازات تعیین می کنند، معصومین علیهم السلام نیز از چنین جایگاهی برخوردار خواهند بود.

پاسخ این است که بنای عقلا مبنی بر جواز مجازات کردن متخلفین، در حاکمان اسلامی قابل تمسک نیست؛ چون در حکومت های عقلانی، همه امور در اختیار حاکمان است و آنها می توانند قوانین تعیین کرده و برای متخلفین مجازات تعیین کنند، اما حکومت اسلامی کاملاً در اختیار حاکم آن نیست بلکه شریعت، پشتوانه حکومت است و خداوند متعال در شریعت اسلامی، همه حدود و ممنوعیت ها را تعیین کرده و برای متخلفین نیز مجازات تعیین کرده است. قواعد کلی از قبیل قاعده لاجرح، اختلال نظام و امثال آن نیز بیان شده است.<sup>۱</sup> در نتیجه دلیل محکمی وجود ندارد که در عین تعیین همه حدود توسط خدای متعال، حاکمان حکومت اسلامی صلاحیت تعیین محدودیت و ممنوعیت و همچنین مجازات برای تخلفات را داشته باشند. البته بر اساس آیه شریفه «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ»<sup>۲</sup> با توجه به اینکه خود اشخاص حق زدن خود را دارند، بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام هم جایز خواهد بود که این کار را انجام دهند، اما این مسأله ربطی به عنوان حاکم ندارد بلکه اختصاص به معصومین علیهم السلام دارد.

۱. مشابه مطلب ذکر شده، در مورد تمسک به أصالة الاطلاق نیز بیان شده است که اگر شک وجود داشته باشد که شارع در مقام بیان بوده یا اینکه صرفاً در مقام اصل تشریح و اجمال بوده است، کلام او حمل بر این می شود که در مقام بیان بوده است؛ چون در بین عقلا به همین صورت عمل می شود. پاسخ این است که بین عقلاء و شارع در بیان مقصود خود تفاوت وجود دارد؛ چون روش عقلانی بر این است که همه مراد خود را به صورت یکجا بیان می کنند، در حالی که شارع روش متفاوتی اتخاذ کرده و در موارد متعددی، به قرآن منفصل اعتماد کرده است. در نتیجه صرف اینکه در موارد شک در کلام عقلاء، حمل می شود که در مقام بیان بوده است، به کلمات شارع قابل تعدی نیست.

۲. سوره احزاب آیه ۶.



جلسه: ۴۶  
تاریخ: ۱۴۰۳/۰۲/۲۶

درس: نظام اقتصادی اسلام  
موضوع: بررسی وجود سیاست جزائی در نظام اقتصادی اسلامی  
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

تاکنون روشن شد که تعیین مجازات توسط حاکمان اصلی حکومت اسلامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام هستند، ثابت نیست و در ادامه مسأله نسبت به تابعین معصومین علیهم السلام نیز مسأله روشن می شود. البته همان طور که در مباحث پیشین مطرح شد، فرضاً دلیلی بر جواز اعمال محدودیت و اعمال مجازات وجود نداشته باشد، اگر یکی از فقها از أدله شرعی برداشت کرده باشد که امکان اعمال محدودیت و تعیین مجازات وجود دارد و بر اساس آن عمل کند، بر دیگران لازم است که از او تبعیت کنند.